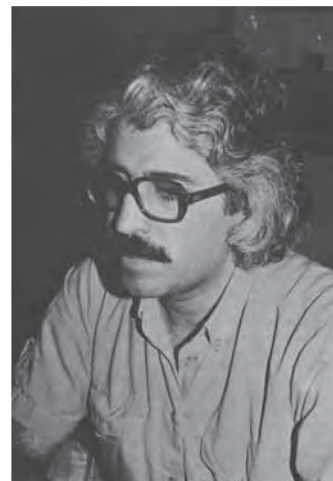


بزرگان نقاشی خط ایران

رضا مافی (۱۳۶۱-۱۳۲۲)

کاوه تیموری



کلیدواژه‌ها: خط و خوش‌نویسی، نقاشی خط.

آثاری که من روی آن‌ها کار کرده‌ام آمیخته به عشق است. با عشق شروع می‌شود و با عشق به تکامل می‌رسد.
(مافی)

زمینه اجتماعی

رضا مافی در پنجم آذرماه سال ۱۳۲۲ در شهر مشهد به دنیا آمد. خانواده مافی خانواده‌ای پرجمعیت بود. پدرش به شغل زرگری و حکاکی اشتغال داشت و برادر بزرگترش در زمینه نقاشی کار می‌کرد. مافی در سال‌های هفتم - هشتم دبیرستان عطای قیل و قال مدرسه را به لقایش بخشید و کار در بازار سنگتراش‌های مشهد را که مجموعه‌ای از حرفه‌های مختلف را در خود جای داده بود آغاز کرد. این دوره از مقاطع مهم در تکوین شخصیت اجتماعی و هنری مافی بود. محیط اجتماعی او زندگی در شهر مذهبی مشهد بود که نمودهای بصری هنرمندان آن در کتیبه‌ها و سردرهای مساجد تجلی می‌یافت و از همان کودکی این آثار همراه با گچبری‌ها و نقوش تزئینی بناهای تاریخی، مقبره‌ها، کاشیکاری‌ها در ناخودآگاه مافی تصویربرداری می‌شد. و از این راه تصاویری شفاف در ضمیر او به ودیعه گذاشته می‌شد تا او روزی در دوره توانمندی خویش بتواند آن‌ها را به روایت خود بازنماید و بازسازی کند. این تجربه، تجربه گران‌قدر و مشترک بسیاری از هنرمندان صاحب نام است که همواره محیط اجتماعی و فرهنگی‌ای که مملو از فرم‌های غنی هنری بوده برای آن‌ها به عنوان مدرسه نامریی و معلم نامحسوس تأثیرگذاری ویژه داشته است.

رضا مافی در یک نگاه

| | |
|---|-------------------------------------|
| تأثیرپذیری از خطوط و بناهای مذهبی و آشنایی با گلدوزی، طراحی، گراورسازی | زمینه اجتماعی - فرهنگی (۱۳۳۵-۱۳۳۸) |
| گرایش به خوش‌نویسی (آموزش نزد مرحوم اعتضادی)، انجام کار نقاشی تزئینی | زمینه هنری (۱۳۳۸-۱۳۴۲) |
| مرحوم حسین میرخانی، قلم آزموده با ویژگی خودآموختگی | استادان اثرگذار (۱۳۴۲-۱۳۴۴) |
| میرزا غلامرضا اصفهانی در روش - سهراب سپهری در منش | تأثیرپذیری ویژه (۱۳۴۶ به بعد) |
| - خوش‌نویسی سنتی (سیاه‌مشق با نگاه امروزی)، نقاشی خط با تکنیک‌های متنوع (حجم، سفال، رنگ، طلا) احساس آنی و بداهه‌نویسی (قلم نی بر بوم نقاشی)، کاربرد انواع رنگ‌های قهوه‌ای، رسیدن به ریتم | قالب و گرایش اصلی - روش کاری (۱۳۴۸) |
| - احیاء شیوه میرزا غلامرضا و الهام‌بخش برای نسل‌های بعد - مطرح‌ترین نقاشی خط کار نسل دوم - باور عمیق حفظ اصول و وفاداری به استخوان‌بندی خط در نستعلیق | ویژگی شاخص (۱۳۵۰) |
| - دادن بُعد فرامرزی به خط - هنرمندی بین‌الملل - ترویج و جانداختن آن به عنوان گرایش غالب و جاذب - نداشتن شاگرد و تأثیر غیرمستقیم در دوره امروز | تأثیر بر نقاشی خط معاصر (۱۳۶۱-۱۳۵۰) |
| - جلی و کتیبه - متوسط متمایل به محترف | مرکز اصلی قلم و خط قلم |
| کوشایی و پرکاری، حصول بینش هنری، مهربانی و صداقت و پاسداشت هویت | ویژگی شخصیتی |
| سکته مغزی | درگذشت (۱۳۶۱) |

زمینه‌های هنری

زنده‌یاد رضا مافی اولین رگه‌های شکل‌گیری بینش هنری و برانگیخته شدن حس زیباشناختی را در قوام شخصیت خود در نوجوانی تجربه کرد. رضا در سیزده سالگی کار در بازار معروف به سنگتراش‌های مشهد را در یکی از مغازه‌های گلدوزی آغاز کرد. پدر خانواده با انگیزه‌اش آشنایی فرزندش با محیط اجتماعی او را به کار در کارگاهی گمارد؛ کاری که شاید در نگاه اول برای استفاده از توان نوجوانی رضا برای کمک خرجی به سبب هزینه‌های خانواده صورت می‌گرفت، اما در نهان به دست‌مایه و سرمایه‌ای مهم و گران‌قدر تبدیل شد که بعدها در تلفیقی از مهارت و خلاقیت در پس‌زمینه تمام کارهای مافی رخ نمود. در آن سال‌ها رضای نوجوان در کارگاه گلدوزی موظف بود تصاویر تزئینی و نمادهای مذهبی از گل گرفته تا تصاویری مثل «ذوالجناح» و یا اسامی گران‌قدری چون «حضرت

مهدی(عج)»، «یا ضامن آهو» و... غیره را با چرخ گلدوزی در روی پارچه مخمل نسبتاً نفیس و گران‌قیمت به اجرا درآورد. ضرب‌آهنگ تند و سریع و تلفیق آن با حرکت زیگزاگوار چرخ گلدوزی و تنظیم هماهنگی دست در چرخش‌ها و گردش‌های متوالی آن، اولین توانمندی‌های رضای نوجوان را در هماهنگی ذهن، چشم و دست نمایان کرد و این همان هماهنگی است که در کار خوش‌نویسی و هنرهای وابسته بیشترین کارایی را برای او به ارمغان آورد. سه سال از نوجوانی رضا با این کار سپری شد و قدرت خیره‌کننده برداشت ذهنی از تصاویر و مناظر او را به سوی نقاشی بر روی قطعات چوبی تزئینی که از تنه‌های درختان استخراج شده بود کشاند. ویژگی این دوره مهم این است که هنرمند از همان گام‌های اولیه تجربه‌های غیرمتعارف و غیرمعمول را پشت سر گذاشت و این موارد از حرفه‌ای به حرفه‌ای و از هنری به هنری دیگر دارای تغییر و تحول بود^۱.



تصویر ۱، نقاشی خط، اثر مافی

وی شاگرد گرایش به خط و خوش نویسی

استاد سیدحسین

میرخانی بود؛ ولی

خوش نویسی معاصر

او را به تنهایی سیراب

نمی کرد. در عین

حال حس نوجویی

و تنوع طلبی در وی

باعث شد که متوجه

خوش نویسی قاجاریه

و به ویژه نماینده

نامبردار آن میرزا

غلامرضای اصفهانی

شود

طراحی و اجرای اسامی روی پارچه‌های مخمل کم کم رضا را متوجه خوش نویسی کرد و بر این اساس او با کار همزمان در کارگاه گراورسازی و برآوردن نیازهای طراحی و خطاطی آن، سه تا چهارسال به آموزش خط در نزد مرحوم اعتضادی که از خطاطان و مرمت کاران میرزا آستان قدس رضوی بود، روی آورد. به همین سان، رضا در نزد «مرحوم غراب» که از کارکشتگان حرفه گراورسازی در خراسان بود، آشنایی قابل توجهی به امور فنی این حرفه می‌یابد و با ره‌توشه‌ای از هنر خوش نویسی خود را برای دریافت نکته‌ها و لطایف خط آماده هجرت به مرکز کشور می‌سازد. مافی در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ بین تهران و مشهد از یک سو و بین نقاشی و خطاطی از سوی دیگر در رفت‌وآمد و کشاکش روحی است. او درس و بحث مدرسه را به کناری نهاده و تنها در گلگشت حرفه‌ای خود تجربه‌های تازه می‌آموزد. بالاخره در سال ۱۳۴۲ به تهران مهاجرت می‌کند. مرحوم مافی در آن سال‌ها که آوازه انجمن خوش نویسان را شنیده برای ثبت نام به آن جا مراجعه می‌کند و در نخستین برخورد با خسرو زعیمی مدیر انجمن مذکور روبه‌رو می‌شود. بعدها مرحوم زعیمی در جایی از این برخورد در سوگ مافی این گونه یاد می‌کند:

«سال‌ها قبل، جوانی محبوب و جذاب به من مراجعه کرد و اظهار داشت که مشتاق استفاده از تعالیم یکی از اساتید ممتاز است. گفت به علت سپری شدن ایام ثبت نام از پذیرفتن خودداری می‌کنند. چون نمونه‌ای از خطش را نشان داد و دیدم با توجه به سن و سالش فوق العاده چشمگیر است و مدتی هم در مشهد از آقای اعتضادی تعلیم جسته، نامش را نزد استاد سیدحسین میرخانی به ثبت رسانیدم. یک ماه بعد میرخانی همراه مافی به دفترم آمد. نمونه جدیدی از خط مافی همراهشان

بود. استاد شادی و شغف زایدالوصفی داشت. در آن مدت کم، پیشرفت مافی قابل تحسین و کم سابقه بود.» (تصویر ۱)

مراحل تحول در خوش نویسی (۱۳۴۶-۱۳۵۲)

مافی از سال ۱۳۴۶ دوره ممتاز انجمن خوش نویسان ایران را در مدت ۳ سال سپری کرد. وی شاگرد استاد سیدحسین میرخانی بود؛ ولی خوش نویسی معاصر او را به تنهایی سیراب نمی‌کرد. در عین حال حس نوجویی و تنوع طلبی در وی باعث شد که متوجه خوش نویسی قاجاریه و به ویژه نماینده نامبردار آن میرزا غلامرضای اصفهانی شود. مافی از کتیبه‌های میرزا غلامرضا عکس برداشته بود و از آن‌ها مشق می‌کرد. به روایت برادرش علی مافی در هنگام عبور از بافت تهران قدیم و به ویژه مسجد سپهسالار (مدرسه شهید مطهری) مدت‌ها وقت خویش را آن هم در حالت خیرگی مطلق به کتیبه‌های میرزا غلامرضا صرف می‌کرد و از فرم و قالب کلمات آن‌ها به شکل مشق نظری بهره می‌برد و الهام می‌گرفت. مافی بالاخره در کشاکش روحی خود، به شیوه میرزا غلامرضای اصفهانی روی آورد.

مرحوم استاد حسین میرخانی با دیدن دست‌نوشته‌های مرحوم مافی که آن‌ها را به شیوه میرزاغلامرضا نگاشته بود، با سعه صدر قابل توجهی مافی را آزاد می‌گذاشت و به او یادآور شد که «خواستۀ دلت را دنبال کن و به دریافت‌هایت از شیوه میرزاغلامرضا ادامه بده.» مافی نیز به‌خاطر علاقه به فرم‌های زیبا در سیاه مشق‌های میرزاغلامرضا آن شیوه را ادامه داد.^۲

استاد حسین میرخانی در جایی همین تغییر شیوه مرحوم مافی را چنین روایت کرده و گفته بود: «فکر می‌کنم دیگر مافی به شیوه من نمی‌نویسد و او راهش را انتخاب کرده و دل‌باخته میرزا غلامرضا شده است.» (تصویر ۲)





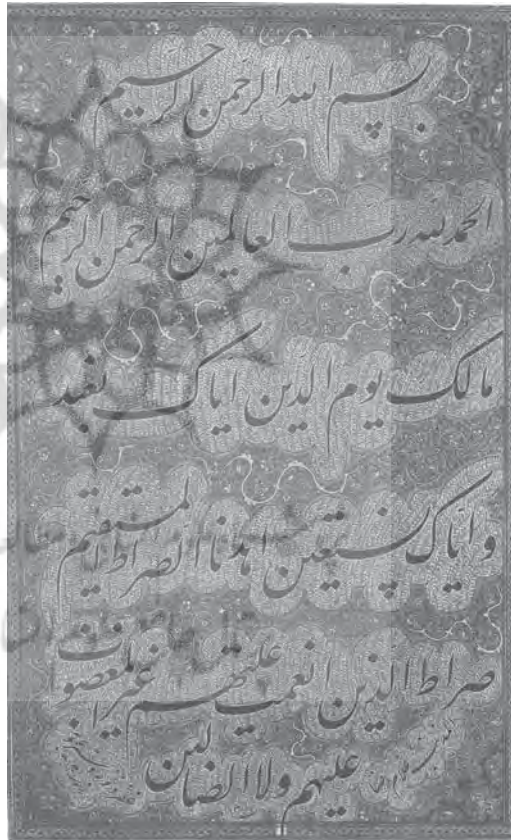
تصویر ۳

لذا مافی به میرزا غلامرضا و بعد از آن به نقاشی خط متمایل شد.^۴ به این ترتیب مرحوم مافی نظام خوش‌نویسانه میرزا غلامرضا را به عنوان مدل آرمانی خود برای جست‌وجوهای بعدی انتخاب کرد. آن هم در زمانی که با اهتمام استادان مسلم و چهارگانه خط یعنی مرحوم کاوه، برادر میرخانی و مرحوم بوذری ترویج مکتب کله‌ر به شکل فراگیری با تربیت شاگردان میرز انجام می‌شد و در این شرایط مافی به جای این که در قاعده عمومی زمان خویش بگنجد، به استثنایی برای این قاعده تبدیل شد و راه کم رهرو شیوه میرزا غلامرضا را انتخاب کرد. همذات‌پنداری خیره‌کننده مافی با میرزاغلامرضا و راه یافتن به حریم هنری وی از مثال‌های بارز تأثیرپذیری‌های سازنده در تاریخ هنر نستعلیق است. مافی به اندک زمانی این دلباختگی را با خرید سیاه‌مشق‌ها و آثار

استاد حسین کاشیان که دوره سه ساله انجمن خوش‌نویسان ایران در کلاس استاد حسین میرخانی را با مرحوم مافی طی کرده او را خوش‌نویسی با استعداد معرفی می‌کند که در دوران هنرجویی نیز در کارش بسیار توانا بود. وی در مورد منش و شخصیت مافی معتقد است که «او از هنرمندانی بود که از نظر اخلاقی شایسته و خالی از هرگونه ادعا و دارای شعور بالا و بسیار دلسوز بود.»^۵ (تصویر ۳) وی در مورد گرایش مافی به شیوه میرزا غلامرضا و سپس نقاشی خط می‌گوید:

«مافی زمانی خوش‌نویسی سنتی را به اوج رساند که آشنایی قابل توجه با نقاشی داشت و به همین دلیل، نیاز روحی و هنری او را خوش‌نویس بزرگی مانند میرزا غلامرضا با گستره وسیع سیاه‌مشق‌ها و ترکیب‌بندی‌های ماهرانه پاسخ می‌داد و

میرزا غلامرضا دنبال کرد و با سرعت قابل توجهی فرم دوا بر و کشیده‌ها و از همه مهم‌تر قالب مورد علاقه میرزا غلامرضا یعنی سیاه‌مشق را در قلم خود نهادینه کرد. اولین تلاش‌های وی درخصوص برداشت از شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی در نخستین نمایشگاه انفرادی وی به بار نشست و نشان داد که رضا مافی از چهره‌های با استعدادی است که می‌تواند بلوغ هنری در زمینه خط را در روزگار جوانی تجربه کند. (تصویر ۴) تنها مرور گوشه‌ای از مطالب پرورش نمایشگاه رضا مافی در آذر سال ۱۳۴۸ یعنی در ۲۶ سالگی می‌تواند نگاه تجربی و آزاد هنری او را با حفظ سنت‌ها و اصالت‌ها نشان دهد و این که هنرمند جوانی مانند وی چگونه در آن روزگاران این بینش بالا را در خود جمع کرده و بر روی کاغذ آورده است. او خود در مورد آثار عرضه شده‌اش می‌نویسد:



تصویر ۴، سوره حمد، میرزاغلامرضا

«در نمایشگاه حاضر - که سیاه‌مشق نام گرفته است سعی شده با وامگیری از هنر ظریف و متعالی نستعلیق‌نویسی و استفاده از شکل زیبای تزئینی آن (و کدام هنر تجسمی ایرانی است که از این امتیاز فراوان نصیب نبرده باشد) شکل جدید و تلفیق شده‌ای از رنگ‌ها و ترکیب‌بندی‌های متأثر از تمدن و زمان حاضر با اساس و شیوه و استخوان‌بندی اصلی خط نستعلیق به‌وجود آید. بیشترین استفاده از شکل تمرینی نستعلیق‌نویسی

موسوم به «سیاه‌مشق» (که در آن برای استفاده کامل از تمام سطح کاغذ و هم‌چنین سنجش یکسانی حروف، کلمات را نزدیک و گاه روی هم می‌نوشتند) به‌عمل آمده. شکی نیست که هر ورق از سیاه‌مشق‌های اساتید گذشته - بی‌آن‌که بخواهیم وارد این مبحث شویم که آیا آنان در ترکیب‌بندی‌های سیاه‌مشق‌هایشان اعمال سلیقه می‌نموده‌اند و یا این ترکیب‌بندی‌ها کاملاً تصادفی به‌وجود می‌آمده - دارای ارزش تزئینی فراوان است و اهمیت هنری آن‌ها حتی در این عصر نیز قابل قیاس با جدیدترین و پیشرفته‌ترین مکاتیب هنری نقاشی جهان است. در کارهای این نمایشگاه، در درجه اول سعی شده به شیوه اصلی خط نستعلیق هیچ‌گونه خدش‌های وارد نیاید و تا سرحد امکان ساختمان اصلی آن در حد یک خط نستعلیق اصیل باقی بماند؛ چرا که به‌رحال غرض از این تحویل و تحول و فوت و فن، پوشانیدن ضعف‌ها و ناشی‌گری‌های خطاط نباید باشد و اساساً به‌زعم ما این غلطی فاحش و تصوری نادرست است که خطاطی ناشی بتواند معایب کارش را - که البته از نظر اهل فن و بصیرت پوشیده نمی‌ماند - به‌ضرب رنگارنگ نمودن و آراستن و لعاب‌دادن و کرشمه‌های دیگر ببوشاند. در خاتمه امید است سروران زیاد در بند خواندن مطالب نگاشته شده در کارها نباشند؛ چرا که اشعار نقل شده نه می‌توانند راهنمایی بیشتری در القای منظور بنمایند و نه اساساً ادبیات به‌کار رفته در زیر یک کار (به‌عنوان نام) و یا در متن آن (به‌صورت زمینه) می‌تواند کلیدی باشد جهت درک و یا رسیدن به نفس محتوای یک اثر تجسمی تزئینی و یا نقاشی به‌طور اعم. کلیدی اگر باشد در خود کار است و لاغیر.^۷» (تصویر ۵)

نکته جالب دیگر در رشد و ارتقای کار مافی زمینه اجتماعی و فرهنگی زمانه وی بود که مؤسساتی چون انجمن خوش‌نویسان که رسالت هنربانی و حمایت از هنر را به‌عهده داشتند با ایفای نقش ارزنده خود زمینه رشد هنرمند را فراهم می‌کردند؛ به‌طوری که در کارت دعوت نمایشگاه مافی از سوی انجمن خوش‌نویسان ایران در معرفی یک هنرمند ۲۶ ساله آمده است: «استحکام، شیرینی و روانی توأم با رعایت کلیه قواعد خوش‌نویسی بر زیبایی خط او افزوده تا آن‌جا که بر خبرگان و دوستداران خط‌خوش، قدر و قیمت هنر ارزنده‌اش به‌خوبی آشکار است.^۸» این نکته و این اظهارنظر انجمن به راستی این پیام‌سازنده را داشته که رسالت هنرمند را در تداوم کارش سنگین‌تر کند و این همان کاری بود که رضا مافی تا آخر حیات هنری خویش آن را تداوم بخشید.

روش کاری مافی

مافی در ایجاد اثر هنری شگردها و شیوه اختصاصی داشت. او به «احساس آبی» یا «بداهه‌نگاری» علاقه داشت

و آن را مهم می‌دانست. او می‌گفت: «کار من غیرارادی بوده است. در من یک احساس آنی به‌وجود آمد و من در آن لحظه به‌خصوص هرچه از ذهنم گذشت، به روی کاغذ آوردم. فراموش نکنیم که احساس آنی پدیده بزرگی در هنر است. خیلی از هنرمندها به طرف احساس علمی رفته‌اند تا مقررات علمی و هنری را در کارهایشان به‌کار بگیرند و خیلی‌ها هم به‌صورت احساس آنی.^۱»

نکته دوم حس لطیف مافی در هنر و دلبستگی او به ادب و عرفان فرهنگ ایرانی اسلامی است که در تاروپود کارش مانند شعری روان موج می‌زند. در این باره می‌گوید:

«من یک خطاط نقاش هستم، ولی خواننده شعر هستم. و زیاد هم شعر می‌خوانم و همین شعرها بر من تأثیر می‌گذارند و من می‌توانم یک تابلو به‌وجود بیاورم. اما از شعرهایی استفاده می‌کنم که حرف اتصالی بیشتری داشته باشند. این از نظر روان‌شناسی هنری قدری مهم است که آدم از شاخه‌ای به شاخه‌ای نپرد و یک مسیر اتصالی را ببیماید، کلمات باید با هم بخوانند و اگر نخوانند، هدف مرا که تداعی معانی برای بیننده است اعمال نمی‌کنند پس من هم از آن‌ها استفاده نمی‌کنم؛ مثلاً «با هر دو جهان عشق، به یک دل نتوان باخت» یکی از شعرهایی است که خیلی خوب می‌شود از آن استفاده کرد.^۱»

مافی به رنگ قهوه‌ای و طیف‌های مختلف آن حساسیت بالایی داشت و آن را رنگی می‌دانست که گویی از قرون گذشته و به‌خوبی تجربه شده است. مطالعه «قلم چوب‌های» او نشان می‌دهد که رنگ قهوه‌ای با استفاده دائم بر آن‌ها ثبت شده است و در جان



تصویر ۵، نقاشی خط، سیاه‌مشق، اثر مافی

آن‌ها نفوذ کرده است. مافی همهٔ مواد و تکنیک‌ها را تجربه می‌کرد. و با تلفیق تکنیک و مضمون به ریتم و موسیقی در آثار خط می‌رسید.

سال‌های تداوم تجربه آموزشی

با شرکت در اولین نمایشگاه جمعی (۱۳۴۶)، موزه ایران باستان) و برپایی اولین نمایشگاه فردی در سال ۱۳۴۷ به‌عنوان نقطهٔ عزیمت مافی برای عرضه‌داشت هنرش سال‌های پر کاری وی آغاز می‌شود. در این سال‌ها او در آتلیه‌اش علاوه بر انجام سفارشات معمول بازار مانند طراحی، خطاطی و روی جلد کتاب، کار ویژهٔ هنری را نیز دنبال می‌کند. این نکته تأییدکنندهٔ یک رویکرد نظری مهم است و آن این‌که آدمی به آن‌چه که اقدام و عمل می‌کند خود را نیز می‌سازد و ارزش و اهمیت رهروان سختکوشی مثل مافی امروزه روز مشخص می‌شود. او با این‌که روحیهٔ اجتماعی بالایی داشت، هرگز خود را درگیر مسائل صنفی و گروهی نکرد و اولویت رابه کار و خلوت‌گزینی عاشقانه در ساخت قطعات هنری داد. لذا کارنامهٔ او هم پر برگ است و هم پر بار؛ مروری به نمایشگاه‌های سالانه برای هنرمندی ۳۹ ساله مانند او مؤید این نکته است:

سال ۱۳۴۶- برپایی نمایشگاه در موزه ایران باستان؛
سال‌های ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴ - برپایی نمایشگاه‌های انفرادی؛
سال ۱۹۷۱- برپایی نمایشگاه جمعی در پاریس؛
سال ۱۹۷۲- برپایی نمایشگاه انفرادی در پاریس؛
سال ۱۳۵۰- نمایشگاه انفرادی - تهران - نمایشگاه هنرمندان معاصر - موزه ایران باستان؛
سال ۱۳۵۱- نمایشگاه جمعی تالار دانشکده هنرهای زیبا؛
سال ۱۳۵۲- شرکت در نمایشگاه هنرمندان ایران در پاکستان؛
سال ۱۳۵۳- نمایشگاه جمعی در گالری لوترک؛
سال ۱۳۵۴- نمایشگاه سیمایی از هنر معاصر ایران؛
سال ۱۹۷۶- شرکت در نمایشگاه خط جشنوارهٔ هنر اسلامی در لندن؛

سال ۱۳۵۵- شرکت در نمایشگاه جهانی بلونیا (ایتالیا) و بال (سوئیس)؛

سال ۱۳۵۸- برپایی نمایشگاه انفرادی در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی در باغ فردوس (که اولین نمایشگاه هنری وی پس از انقلاب به‌شمار می‌رود).

استاد مشعشی که سالیان زیادی با مافی محشور بود دربارهٔ تجربه‌اندوزی مدام او نگاشته است: «او در زمرهٔ نادر عاشقان خوش‌نویس این دیار بود که بیش از ۲۰ نمایشگاه در داخل و خارج کشور ارائه کرد که هر یک از لحاظ خلاقیت و تنوع زیبایی کاملاً مستقل از دیگری و پربار بود.»^{۱۱}

اگر تمام راز موفقیت مافی پرکاری او نبوده، بدون شک می‌توان یکی از عوامل مؤثر توفیق او را در این پرکاری جست‌وجو کرد؛ چرا که خودش دربارهٔ موفقیت در کارهایش معتقد است: «سال‌ها کار کرده‌ام، فکر کرده‌ام و حتماً باید موفق می‌شدم.»^{۱۲}

روی آوردن به نقاشی خط

اقتناع ناپذیری و نهاد نآرام و جویندهٔ مافی تنها با خط تسکین نمی‌یافت. او تحت تأثیر هنرمندان پیشگام مکتب «سقاخانه» کوشید خط را با حفظ اصالت و معماری اصیل آن به نقاشی نزدیک کند. ویژگی ارزندهٔ مافی این بود که در خط دست توانایی داشت و با حرکت‌های اولیهٔ نقاشی خط، نقد و نظر منتقدان و هنرپژوهان مطرح را به خود جلب کرد. کمتر مجله و مطلب هنری بود که به معرفی آثار مافی و انعکاس دیدگاه‌های او نپردازد.

سرچشمهٔ اصلی مافی در به‌کارگیری خط در نقاشی را باید در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای یا مکتب سقاخانه دنبال کرد. به‌طوری که از نظر مافی ۲۷ ساله «این کار را زنده‌رودی و پیل‌آرام و منصوره حسینی و کمی هم ایران درودی کردند که زنده‌رودی موفق‌ترین آن‌هاست و همیشه جست‌وجو می‌کند و ابداع.»^{۱۳} (تصویر ۶)



تصویر ۶، نقاشی خط، اثر مافی

مافی در سه سال بعد یعنی در سن سی سالگی دربارهٔ تلفیق خط با نقاشی می‌گوید: «هدف من زنده نگهداشتن خط زیبای نستعلیق است. تابلوهای من بر پایه‌های یک هنر اصیل و سنتی استوار است و از این‌روست که با فارغ‌البالی جست‌وجو می‌کنم بی‌آن‌که بخواهم ریشهٔ این هنر را بخشکانم چرا که هدف احیاء است نه انهدام. فکر می‌کنم انواع خطوط و به‌ویژه خط نستعلیق از نظر فرم بسیار غنی است، با فراز و نشیب‌ها و کشیدگی‌ها و دوایر آن که کاملاً حالات القایی زیادی را در بردارند.^{۱۴}»

بی‌تردید یکی از کسانی که در نشو و نمای استاد رضا مافی و گرایش او به نقاشی خط مؤثر بوده یا به تعبیری بر قوام نقاشی خط معاصر ایران تأثیر داشته، مرحوم فرامرز پیل‌آرام (۱۳۶۲-۱۳۱۶) است. پیل‌آرام علاوه بر این‌که فارغ‌التحصیل انجمن بود، در نقاشی خط متبحر بود و مدرک فوق‌لیسانس معماری از دانشگاه تهران داشت. و برای وی همین مهارت‌های چندگانه وسعت دید قابل توجهی را در عرصه هنر به دنبال داشت که نمود آن را می‌توان در تابلوهای نقاشی خط وی به نظاره نشست. او توانست با ظرافت و زیبایی، حرکت و نشانه‌های خوش‌نویسی (نستعلیق و شکسته نستعلیق) را در نقاشی خط وارد کند و با رویکرد به هنر مفهومی تابلوهایی را نقش زد که پس از گذشت چند دهه، مخاطب امروزه با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و این آثار راه به تفسیرهای چندگونه و ذوابعاد برای بیننده می‌گشاید. مرحوم پیل‌آرام جزو اولین مشوقان و مصححان کارهای مافی بود. بنابر نقل استاد محمدحسین عطارچیان مرحوم پیل‌آرام در انجمن خوش‌نویسان (سال‌های ۴۵ تا ۴۸) زمینه‌سازی و رنگ‌پردازی در قطعات خط را به هنجریان مستعد تعلیم می‌داد و من به اتفاق مرحوم مافی در این جلسات از راهنمایی‌های استاد پیل‌آرام بهره می‌بردیم. مافی از آن‌جا که پیل‌آرام از پیش‌کسوتان نقاشی خط بود، احترام خاص برای ایشان قائل بود. روایت دوم از خاطرات مرحوم زعیمی است که بیان داشته مرحوم مافی «یک روز عصر به دفترم آمد و اظهار داشت که در زمینهٔ نقاشی خط کارهایی کرده است و میل دارد که من آن‌ها را ببینم. پس به اتفاق هنرمند گرامی فرامرز پیل‌آرام از کارهای خوبش دیدن کردیم. پیل‌آرام مختصر یادآوری‌ها به او کرد. پس از آن بود که نمایشگاهش در گالری سیحون مورد توجهٔ اهل هنر و هنرشناسان قرار گرفت.^{۱۵}»

مافی در گرایش خود به نقاشی خط دو اصل مهم را همواره در خاطر داشت. شاید به لحاظ سن جوان و تب بازار در خرید آثار هنری نمی‌توانستیم انتظار ویژه‌ای از وی داشته باشیم؛ اما عملاً رویکرد مافی در نقاشی خط نه تنها هیچ‌گاه با پشت‌پا زدن

به سرمایهٔ سنت و قدمت دیرینهٔ آن همراه نشد بلکه با مراقبت او برای نیفتادن در دام مظاهر فرهنگ هنری غرب همراه گردید که نشان از هشیاری وی داشت. او در این باره می‌گوید: «منی‌خواهم با ادغام بی‌دلیل رنگ‌ها و بدون اندیشیدن به محتوا نقاشی کنم. من به فرهنگ غربی دامن نمی‌زنم و مثل هر انسانی که به فرهنگ کشورش می‌اندیشد، نمی‌گذارم که فرهنگ بیگانه بر من مسلط شود.^{۱۶}» اصل دومی که به آن نظر داشت، نگاه عارفانهٔ او به مبداء هستی بود؛ نکته‌ای که سایر صفات مافی مانند صداقت و مهربانی آن را در به‌وجود آوردن یک اثر هنری تکمیل می‌کرد. برای مافی ساخت اثر هنری یک نیایش درونی بود که در جلوه رنگ و فرم‌های غنی خط نستعلیق تجلی می‌یافت. او خود در این باره می‌گوید:

«در خلق یک اثر نیرویی بالا و والا به نام خدا به من الهام می‌بخشد. کمتر کسی می‌تواند احساس کند که وقتی زانوان من به آهنگ کش آمدن قلم روی کاغذ به رقص می‌آید، در چه دنیایی سیر می‌کنم.^{۱۷}»

دلباختگی مافی را به فرهنگ اصیل و هویت کشور خویش وقتی بهتر می‌فهمیم که در اوج شهرت کارهای نقاشی خط در سال ۵۴ در پاسخ به این سؤال که هنوز هم یک خطاط حرفه‌ای هستی؟ می‌گوید: «بله، زیرا که خطاطی ریشه و اساس کار و زندگی‌م شده است.^{۱۸}» و بدین ترتیب او همیشه استوانه‌ها و ریشه‌های فرهنگی کهن را که از آن‌ها میوه‌های تازه برچیده بود، این‌چنین پاس می‌داشت.

نقد و نظر ناقدان

آثار مافی به‌ویژه از سال ۱۳۵۰ به بعد این ویژگی را داشت که در وانفسای «نقد هنری» در برانگیختن توجه و نگاه اهل هنر، دیدگاه‌های ناقدان مطرح هنری را به خود معطوف کرد و کسانی چون آیدین آغداشلو و جواد مجابی - چندباره - به عنوان ناقدانی مطرح به نمایشگاه‌های او پرداختند و بر کارهای او مهر تأیید زدند. ضمن آن‌که به بهانهٔ آثار و نمایشگاه‌های مافی که او را به عنوان یکی از پرکارترین هنرمندان معرفی می‌کرد، همواره مجله‌ها و روزنامه‌های دورهٔ حیات وی بخشی از حجم خود را به یادداشت‌ها، ستون‌ها و یا مصاحبه‌هایی با خود مافی اختصاص می‌دادند. در یکی از مجلات در مورد دومین نمایشگاه مافی چنین می‌خوانیم: «خطاطی نقاش که با خطوط به تابلو کمپوزیسیون می‌دهد. کارهایش سالم و نشان دهندهٔ تلاش اوست در راه تکامل.^{۱۹}»

و در دیگری آمده است:

کار اصلی مافی «خطاطی است و او در نقاشی، از خط فارسی و تکرارهای آن، برای ایجاد ترکیب‌های چشم‌نواز یاری می‌گیرد.^{۲۰}»

**اقناع ناپذیری
و نهاد ناآرام و
جویندهٔ مافی
تنها با خط تسکین
نمی‌یافت. او
تحت تأثیر
هنرمندان پیشگام
مکتب «سقاخانه»
کوشید خط را با
حفظ اصالت و
معماری اصیل آن
به نقاشی نزدیک
کند**



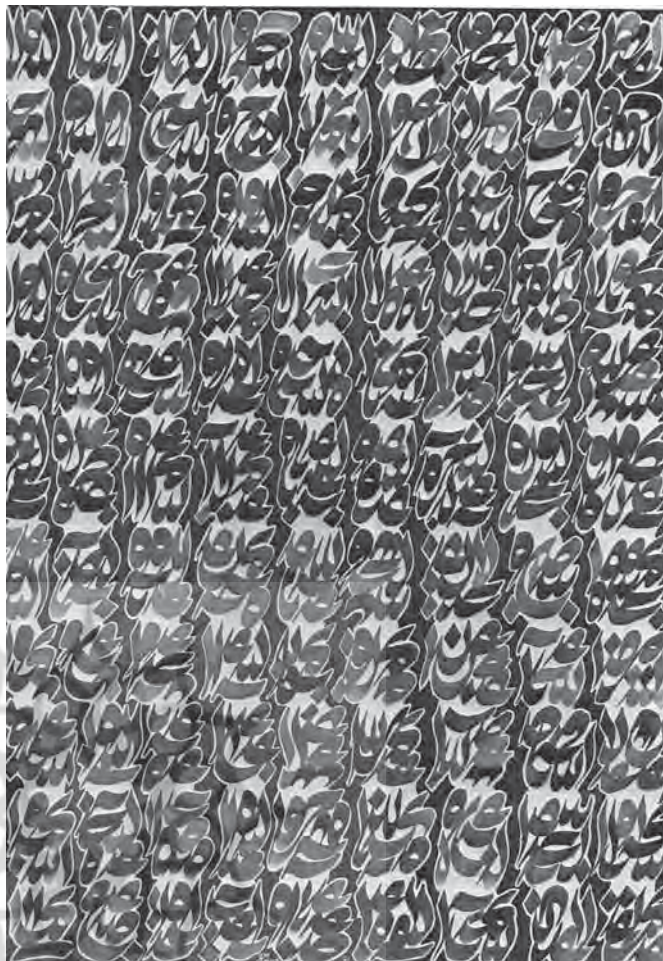
هنربانی چون خسرو زعیمی در مورد کار او می‌آورد:

«نمایشگاه سیاه‌مشق‌های او از غزلیات حافظ نمایانگر قدرتش در خط‌نویسی و آثارش در نقاشی خط، نشان‌دهنده ذوق و سلیقه او در استفاده به‌جا از رنگ‌ها بود. ... مافی یکی از ورزیده‌ترین خطاطان زمان ما بود. او با رنگ‌آمیزی و آرایش و پیرایش‌ها، آثار بدیعی از نقاشی خط به‌وجود آورد که کم‌مانند است. این هنرمند عزیز که آینده بسیار درخشانی در پیش داشت در سی و نه سالگی راهی دیار عدم شد.^{۲۱}» بازتاب یازدهمین نمایشگاه خط و نقاشی خط او در آذر سال ۱۳۵۲ در دیده‌ناقدان هنری این چنین منعکس شده است:

«تابلوهای مافی از هنر سنتی ریشه می‌گیرد و او با توجه به نیاز زمان در کار خط تحولی چشمگیر به‌وجود آورده است. خطوط کارهای مافی با آن‌که از اشعار دلچسب فارسی است خوانا نیست؛ چرا که هدف او از نوشتن خط بازی با حروف و یافتن ترکیب بصری تازه‌تری است و او با این بازی دلپذیر در هر تابلو به فرم جدیدی دست می‌یابد. ذهن تماشاگر با نقاشی‌های مافی آشناست. زیرا که او ادامه‌دهنده هنرهای سنتی است. و با آن‌که هنرهای بومی و قدیمی الهام‌بخش او در خلق آثارش هستند، او قالب‌های سنتی را تکرار نمی‌کند و تابلوهای او برای انسان امروز مفهومی تازه دارد. رنگ قهوه‌ای، رنگ اصلی اغلب تابلوهای اوست و نقاش عقیده دارد که رنگ قهوه‌ای از اصالت بیشتری برخوردار است. به‌نظر او از این رنگ، بوی سنت، تجربه و کمال به مشام می‌رسد. با این همه بر آثار مافی غبار کهنگی نشسته است و هنر او پذیرای مردم روزگارماست.^{۲۲}» (تصویر ۱۰)

جواد مجابی در مورد نمایشگاه آبان‌ماه ۱۳۵۱ مافی ضمن تحلیلی گویا از کارهای نقاشی خط وی چنین می‌آورد:

«مافی نمی‌خواهد مقلد باشد پس از اقلیم خوش‌نویسی به نقاشی روی می‌آورد و از نقاشی عناصری را که زیبا و همیشگی است در کار خود به خدمت می‌گیرد. بی‌آن‌که در ورطه مدرنیسم بیفتد یا غبار کهنگی بر کارهایش بنشیند. در این آثار خطی (این اصطلاح را به‌جای خوش‌نویسی به‌کار می‌برم، مگر نه این است که خط وقتی از معنای خاص واژگان تهی شد، کاربردش در نقاشی و خوش‌نویسی و تزئین یکسان است) مافی کوشیده است تا خط را از معانی محدود واژگان رها کند و شکل خط، خود گویای معنایی مجرد و کامل شود. اگر خوش‌نویسی پیش از این در خدمت شعر و ادب بود، اکنون این آثار خطی در خدمت شیوه «خط - نقاشی» است، هنرمند، با به‌کار گرفتن شیوه سیاه‌مشق و رج‌زدن، نظر را پیش از آن‌که به معنای خطوط جلب کند - که این‌جا ارزشی فرعی دارد - به شکل زیبایی خطوط می‌کشاند. این شکل که لاجرم معنایی دوگانه



تصویر ۷، نقاشی خط، اثر زنده‌رودی

تصویر ۸، نقاشی خط، اثر پیل آرام





تصویر ۱۰، اثر مافی

تصویر ۱۱، اثر مافی



دارد، از تناسب رنگ‌ها، توازنی سنتی و تنوعی در بازآفرینی و ترکیب برخوردار است. تجربه‌های خوب او را در زمینه خطوط برجسته از یاد نبریم که حجم‌های خوشایندی آفریده است.^{۲۳} جواد مجابی بار دیگر در معرفی آثار نمایشگاهی مافی که در عین حال منعکس‌کننده تحولات هنری اوست در سال ۱۳۵۳ چنین می‌نگارد:

«در نمایشگاه تازه‌اش در گالری سیحون رضا مافی بر اوج تجربه‌هایش ایستاده است: از خوش‌نویسی به نقاشی رسیده است تابلوهای او نقاشی‌هایی است که از خط نیز بهره برده است. در آثار تازه‌اش، مافی یک نقاش امروزی است: پیشرو و آگاه. ترکیب آثارش متنوع و هشیارانه است. در یک تابلو، او ترکیبی اریب از رنگ قهوه‌ای ساخته است. انگار از تکه ابری باران ببارد و قطرات باران حرف‌های نستعلیق است، اما در مجموع از دور که بنگری، ترکیب تابلو از حرکت رنگ، سایه روشن حروف، با حرکت سریع قلم ساخته شده است. اکنون یک مجموعه دیدنی است نه قد الف و قوس قاف و شکل لام. در اثری دیگر شرابه‌های حروف بر سطح تابلو می‌لغزد و رویه‌های گوناگون پدید می‌آورد، انگار واژه‌ها درهم بافته شده است. (تصویر ۱۰ و ۱۱)

رنگ‌ها در آثار مافی کم شده، متن غالب تابلوها قهوه‌ای و زعفرانی رنگ است. این ترکیب سیل‌وار حروف است که گاهی قوس‌وار و پر از انحنا و زمانی تیز و تند و راست، و گاهی درهم و برهم شکل اصلی تابلو را با یک یا دو رنگ ساده می‌سازد. حالت سیاه‌مشق در کارهای مافی بیشتر شده و از رنگ‌ها و نیم‌رنگ‌ها که در برخورد حروف با یکدیگر حاصل می‌شود، بافت اصلی تابلو به‌وجود می‌آید. اما در این نمایشگاه مافی همان اندازه از خط‌نگاری زیبایش برای ساختن یک اثر نقاشی استفاده کرده که زنده‌رودی از خط زشتش برای تابلوهای زیبایش.^{۲۴}»

نکات فنی در شیوه نستعلیق مافی

مرحوم مافی در کتابت نستعلیق اثر مشخصی را تحریر نکرد. نستعلیق ایشان با عبور از آموزه‌های مرحوم اعتضادی «صدرالکتاب» به شیوه استاد حسین میرخانی رهنمون شد و بالاخره در شیوه مرحوم میرزا غلامرضا اصفهانی ماندگار شد. این‌که مرحوم مافی در چند سال پایانی عمر خویش آیا به یک شیوه اختصاصی دست یافت، نکته قابل تأملی است. برای این‌که او را میرزا غلامرضای زمان خود بنامیم، به آرا و شواهد روشن نیاز داریم. اما این‌که او به استقلال شیوه رسید، به‌نظر می‌رسد که باید منتظر ماند تا مجموعه آثار آن مرحوم که شامل بیش از ۲۰۰ اثر چاپ نشده و پراکنده است در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. در عین حال در مورد نکات فنی و شیوه

رویکرد مافی در نقاشی خط نه تنها هیچ‌گاه با پشت پا زدن به سرمایه سنت و قدمت دیرینه آن همراه نشد بلکه با مراقبت او برای نیفتادن در دام مظاهر فرهنگ هنری غرب همراه گردید که نشان از هشیاری وی داشت

مرحوم مافی همواره این نکته مطرح است که او در عمر کوتاه خود یک برداشت‌کننده قوی از آثار میرزا بود تا جایی که به امانتدار و آینه‌داری برجسته برای شیوه او تبدیل شد. استاد عطارچیان در این باره معتقد است که مرحوم مافی در زمینه خط نستعلیق استعداد و توفیق زیادی داشت. ایشان به میرزا غلامرضا در حد توان و شناخت و دید هنری خودشان وفادار بود و از آثار او دریافت‌های خوبی داشت. با ملاک‌های زیباشناختی آثار میرزا شامل عناصر بصری مانند توازن، هماهنگی و با روابط و پیوستگی اجزای آن عناصر به‌خوبی آشنایی داشت؛ زیرا مافی فردی پویا، جست‌وجوگر و پرکار بود. اما در هر حال وی در سی و نه سالگی درگذشت. استاد عطارچیان در مورد شکسته نستعلیق ایشان معتقد است که مافی از شکسته میرزا غلامرضا که آثار در خور توجهی بوده تأثیر زیادی در مقایسه با درویش و سید گلستانه گرفته است.^{۲۵}

در این خصوص استاد بیژن بیژنی معتقد است:

«آثار مافی تأثیرگذار بود، او نقاشی قابل بود و با رنگ آشنایی کاملی داشت. به همین دلیل فرم‌های بدیعی در کارهای ایشان نمایان است. مافی ضمن گذر از هنر کهن و سود بردن از بزرگانی چون میرزا غلامرضا و سایر بزرگان سیاه‌مشق‌های امروزمین و ترکیب‌بندی‌های نوینی به‌وجود آورد که شاخص شخصیت هنری اوست.»^{۲۶}

در مورد مختصات فنی شیوه مرحوم مافی در خط نستعلیق حمید غبرا نژاد که یکی از علاقه‌مندان او و پیروان میرزاغلامرضای اصفهانی محسوب می‌شود، معتقد است:

«نوشتن بزرگ‌تر از حد متعارف حرف‌های دایره‌ای شکل، برگشت سریع حرکت پایین حرف «دال» و کوتاه شدن ضخامت آن، ضخامت مدات، چرخش و گردش بلند انتهای نقطه‌ها، استفاده از مرکب‌های رنگی، نوشتن سیاه‌مشق بر روی ورق‌های طلا و... تمامی این خصوصیات و ابداعات را می‌توان شیوه نگارش خاص استاد رضا مافی برشمرد.» وی درخصوص مراحل هنری و سیر تکاملی برای او عبور از مراحل «آثار ساده، سیاه‌مشق‌های سردستی، خطوطی بسیار محکم و دقیق نقل شده از روی آثار میرزا غلامرضا، و سیاه‌مشق‌های ناب خود او را برمی‌شمارد.»^{۲۷}

با بررسی قلم‌های مرحوم مافی مشخص شد که خط قلم ایشان متوسط متمایل به محرف است. مرکز قلم تخصصی ایشان قلم جلی و کتیبه است و بیشترین گرایش به این دو اندازه دارد. به‌ویژه تبحر مافی در قلم گردانی ماهرانه با قلم کتیبه حاکی از آن است که او با اعتمادبه‌نفس بالا می‌نوشت و قلم کتیبه را به راحتی قلم مشقی در حالت ایستاده به حرکت درمی‌آورد. راحت‌نویسی او با این دانگ قلم به گونه‌ای بود که گویی قلم‌موی نرمی را در روی آب حرکت می‌دهد.^{۲۸} قلم اندازه‌های مافی در

روی بوم سفید و دستان آزاد رها شده او به دنباله‌هایی زیبا در حروف و کلمات منجر شده که فضایی انتزاعی را به‌وجود آورده است تا بیننده در آن‌ها خیره بماند و برداشت‌های گوناگونی را از آن‌ها تصور کند. همین‌جا باید یادآور شد که مافی هنرمندی با درونی جوشان و آرمان‌گرا بود که به شخصیت هنری و آثار شاعر رنگ‌ها و نقاش شعرها زنده‌یاد سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷) دلبستگی زیادی داشت. درون‌مایه کارهای نقاشی سهراب سپهری از عرفان شرق دور متأثر بود و مافی به تعبیر نزدیکانش طرح‌ها و تصویر عمده نقاشی‌های سپهری را در حافظه بصری خود داشت و از نظر فکری و معنوی به اشعار او بسیار علاقه‌مند بود. حتی اوج این علاقه‌مندی را در نوار صوتی با قرائتی مملو از احساس اشعار سپهری که با زمینه موسیقی آرام تلفیق شده، نشان داده است. لذا نگاه آئینه‌سان مافی به اندیشه و نقاشی و شعر سپهری در آثارش تجلی دارد.

برخی از تابلوهای موفق مافی که براساس قالب سیاه‌مشق شکل گرفته، گویی ترجمه خوش‌نویسانه تابلوهای سپهری است که درهم‌تنیدگی و درهم رفتن بُرش از تنه‌های درختان جنگلی را ترسیم کرده و مافی در همان زمینه به بازی با حروف پرداخته که در نوع خود آثاری زیبا با ریتمی دلنشین به‌وجود آورده، آثاری که در آن‌ها با تنوع دانگ قلم از اصل پرنرزی تضاد (مرکب سیاه و زمینه سفید) استفاده قابل توجهی شده است و چیدمان هوشمندانه و طراحی شده مفردات به ایجاد عمق در تابلو انجامیده است.

مافی پس از درگذشت سهراب با استفاده از پس‌زمینه آرام و کم‌رنگ نقاشی‌هایی که توسط خود او ملهم از سپهری طراحی شده بود، بخش‌هایی از اشعار وی را با قلم پخته نستعلیق به نگارش درآورد که نرمی و روانی در آن‌ها مشهود است و نمایی از استحکام و قرصی دست و قلم او را نیز نشان می‌دهد. آثاری که آخرین نمونه‌های درخشان نستعلیق از کار مافی نیز محسوب می‌شوند و جایگاه ارزنده او را در خط نستعلیق به نمایش می‌گذارند.

تأثیر مافی بر خوش‌نویسی و نقاشی خط معاصر

اول آن‌که بدون تردید رضامافی با برداشت درست و امانتدارانه، احیاکننده اصلی شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی در روزگار معاصر است. اگر دست‌اجل سی سال پیش از این (۱۳۶۱) جامعه هنری را از وجود مافی محروم نمی‌کرد، امروز می‌توانستیم تصور کنیم چه گنجینه ارزشمندی از آثار و کارهای او هم‌اکنون پیش‌روی ما بود. اما پرداختن به او در این دوره زمانی نشان می‌دهد که او نیز، به تعبیر سهراب سپهری از «فرصت سبز حیات» نهایت بهره را گرفت و آثار گران‌قدری را به جامعه هنری تقدیم کرد.

کار دوم مافی این بود که در کنار پیشاهنگانی چون زنده‌رودی، پیل‌آرام و محمد احصایی به خط بعدی فرامرز داد و خود در کسوت یک هنرمند بین‌المللی با انتخاب زبان بصری ویژه به عنوان نماینده نسل دوم نقاشی خط ایران شناخته شد. وجه بین‌المللی مافی را باید در آینه نقد و نظر مُتقدان غربی بشناسیم؛ به‌طوری که وقتی مافی در خرداد ۱۳۵۲ نمایشگاهی از آثار نقاشی خط خود در پاریس برگزار می‌کند، میشل تاپیه هنرشناس برجسته در معرفی آثار او می‌نویسد: «در این زمان که مسئله نقاشی، دیگر به تصویر بستگی ندارد بلکه وابسته به فضاها و علائم، به عنوان مجموعه‌های زیبایی‌شناسی است، اثر مافی مقامی طبیعی در واقعه هنر کنونی دارد. این نقاش جوان ایرانی آشنایی عمیقی با خطاطی سنتی دارد که زیبایی‌شناسی آن را باب امروز می‌نماید، همان‌طور که در مورد چند هنرمند بزرگ بین‌المللی دیگر نیز چنین بوده است.» او ادامه می‌دهد: «در میان نقاشان نسل جوان تهران که تعدادی سبک هنری تعجب‌آور به مقیاس جهانی دیده‌ام، مافی جوان‌ترین آن‌هاست. وی دارای آگاهی‌هایی است که متضمن تحولی در طبیعت هنری که دست یافتن و حفظ آن این‌چنین نادر ولی اساسی است و خارج از آن هیچ‌چیز از نظر زیبایی‌شناسی مقاومت نمی‌کند. او بدون چون و چرا یک «نقاش» است و از نظر کیفی، هر شخص که خود را نقاش می‌داند در کمیت استاتیک هیچ چیز از این مهم‌تر و نادرتر نیست.»^{۲۹}

آغداشلو از دوستان و معاشران مافی در مورد تأثیر او می‌گوید: «وی نقاشی خط را اولین بار با خط نستعلیق درشت آغاز کرد. پیش از او این کار را زنده رودی با شیوه اختصاصی خودش و احصایی با خط ثلث آغاز کرده بودند اما رضا مافی این گرایش را بسیار جذاب و با افق‌های تازه کار کرد و به آن رسمیت بخشید تا بازار مناسبی پیدا کند. رنگینه‌نویسی، ایجاد نوشته‌های برجسته و لعاب‌دادن آن‌ها و به‌کارگیری خط نستعلیق درشت در پیشبرد و محبوب کردن و متداول کردن نقاشی خط توسط مافی مؤثر بود و کسانی که در زمان فعلی نقاشی خط کار می‌کنند، مدیون کارهای مافی هستند. زیرا راهی را می‌روند که مافی پیش از آن‌ها به صورت خودآموخته رفته بود. و آن‌ها امروزه همان تجربه‌ها را به شکل جدیدی آذین می‌کنند.» در عین حال آیدین معتقد است که «مافی به عنوان هنرمندی سختگیر با توجه به کوتاهی عمر فرصت زیادی برای پرواز پیدا نکرد و در صورت زنده بودن به آفاق تازه‌ای دست می‌یافت اما مهم رسیدن یا نرسیدن نیست؛ مهم این بود که مافی اهل پرواز بود و هنرمندی معاصر به‌شمار می‌رفت.»^{۳۰} استاد افجه‌ای در مورد مافی به خاطره خود در سال ۱۳۵۱ اشاره می‌کند که چگونه مافی با نمایشگاه وی در گالری سیحون برخورد منطقی و معقولی داشت. وی مافی را فردی آرام، آزاده و دوست‌داشتنی معرفی می‌کند که به قواعد خط تسلط و آگاهی داشت. شیوه میرزا غلامرضا را عاشقانه دوست داشت و از نظر روحی تحت تأثیر سهراب سپهری بود. افجه‌ای معتقد است که

**مافی در کنار
پیشاهنگانی چون
زنده‌رودی، پیل‌آرام
و محمد احصایی به
خط بعدی فرامرز
داد و خود در کسوت
یک هنرمند بین‌المللی
با انتخاب زبان بصری
ویژه به عنوان نماینده
نسل دوم نقاشی خط
ایران شناخته شد**



تصویر ۱۲، مرغ بسمل، اثر مافی

مافی از نظر فنی در کارهایش از طبیعت خیلی الهام می‌گرفت. به قواعد خط پای‌بند بود و در خط نستعلیق دعوی داشت. در کارهایش فوت و فن‌هایی داشت که در نوع خودش تنها و منحصر به‌فرد بود. افجه‌ای دربارهٔ این نکته که آیا مافی توانست بعد از میرزا غلامرضا به سبک مستقلی برسد، معتقد است که «نمی‌توان گفت که مافی از میرزا غلامرضا عبور کرد زیرا میرزا غلامرضا از این جهت که در کار خود مبدع و طراح اولیهٔ شیوه بوده به‌راحتی قابل دستیابی نیست و حتی اگر کسی چون «مافی نیز می‌رسید باز هم نرسیده بود؛ زیرا میرزا غلامرضا در مرز باریکی قرار دارد. در عین حال مافی از همراهان اصلی کاروان میرزا غلامرضا بود.»^{۳۱}

اعتقاد جلیل رسولی در مورد شخصیت هنری مافی این است که او ذات هنری بالایی داشت و ذاتاً هنرمند بود. در نگارش بسیار حسی، شخصی، آزاد و رها و با عیار بالا می‌نوشت و در این حس هنرمندانه آتات هنری را دریافته بود. هنوز هم به کارهای ایشان نگاه می‌کنم. بی‌تردید اگر زنده بود خط وی تکامل قابل توجهی پیدا می‌کرد.»^{۳۲}

در عین حال مافی به رغم زمینهٔ لازم برای تأثیرگذاری بیشتر در فضای خوش‌نویسی و نقاشی خط، فرصت پرورش شاگرد را نیافت اما تأثیر قابل توجه او در هنرمندان نقاشی خط بعدی و هم‌چنین نسل حاضر از نظر گشودن راه و ایجاد جرأت‌ورزی در فضای سنتی بسیار محسوس و قابل اعتناست. رسولی هنرمند فعال در عرصهٔ نقاشی خط در مورد الهام‌گیری از کارهای مافی و جد و جهد او ادامه می‌دهد:

«در سال‌های ۴۷ و ۴۸ تحت تأثیر آثار و نمایشگاه‌های شادروان مافی که هنرمند بزرگی بود قرار گرفتم و مشاهدهٔ آثار وی در روحیهٔ من خیلی تأثیر خوبی به‌جا گذاشت. قبل از ایشان زنده‌رودی و شادروان بیل‌آرام کار کرده بودند که فقط در کارشان از ترکیبات خط استفاده می‌کردند. در آثار استاد احصایی و استاد افجه‌ای گرایش بیشتری به خوش‌نویسی وجود داشت. کارهای مافی به‌خصوص بر من خیلی تأثیر داشت. و در زمانی بود که من هم کار نقاشی خط می‌کردم ولی در حقیقت جرأت برپایی نمایشگاه

را نداشتم و دیدن آثار او باعث شد من به شوق بیایم و جرأت یافتم و نمایشگاه گذاشتم و آثار مافی به من جرأت و جسارت داد که اولین نمایشگاه را در گالری سیحون برپا کنم که بسیار استقبال شد. در آن موقع بسیار تشنه بودم و الان احساس می‌کنم تشنه‌ترم و با کار متوجه شده‌ام که موارد زیادی را کم دارم.»^{۳۳} (تصویر ۱۳)

اندیشهٔ هنری

مافی هر چند، بیش از این که مطلب بنویسد خطاطی و کار هنری می‌کرد و اعتقاد داشت:

«از خوش نوشتن تا خوش‌نویسی کردن فرسنگ‌ها راه و فاصله است.»^{۳۴} اما چون احساس واقعی خود را با صداقت بیان می‌داشت، جوهر صفا و اخلاص را در نوشته‌ها و گفته‌هایش هم اکنون نیز می‌توانی حس کنی. جوانی با اندیشهٔ والای آرمان‌گرایی که در برپایی اولین نمایشگاه هنری خود در ۲۶ سالگی اذعان می‌کند «هدف عمدهٔ من سرذوق آوردن سایر هنرمندانی است که در این رشته فعالیت دارند و شاید پس از تشکیل این نمایشگاه حس رقابتی در میان آن‌ها به‌وجود آید و به جنبه‌های هنری آن به جای جنبه تبلیغاتی بیشتر توجه کنند.»^{۳۵}

این آرمان ارزشمند مافی در جافتادن و نهادینه شدن گرایش نقاشی خط به عنوان هنری مستقل جامعهٔ عمل پوشید و نگاه پخته و اندیشه هنری او در سال‌های پس از درگذشت وی در یادداشت‌های پراکنده، نمایی روشن از سلوک هنری او در زمینهٔ خط و نقاشی خط را برای اهل هنر ثبت و ضبط کرد. اصولی راهگشا و معتبر که شاید هنرمندان معدودی اصول‌نامه‌ای این چنین موجه برای خود به عنوان نقشه راه ترسیم کرده باشند. به‌طور حتم «هنرمند این زمانی» وقتی این اصول را با درک عمیق می‌نگرد، احساس تازه‌ای در وی به جوشش درمی‌آید که گویی می‌خواهد برخیزد و کار کند. زیرا اصول هنری مافی که با عنوان «من چه کنم» نگاشته شده، بسیار شورانگیز و انگیزه‌آفرین است. این اصول قبلاً به شکل پراکنده در لابه‌لای صحبت‌ها و گفته‌های مافی از همان ۲۶ سالگی به تفریق و تفاریق آمده، اما



تصویر ۱۳، نقاشی خط، اثر مافی

شکل منسجم یافته آن شاید حاصل یکی از همان لحظه‌هایی بوده که «حساس آنی هنری» و «بدهانگری» به وی روآورده و این نکات درخشان را که در آن‌ها صمیمیت و جسارت، با هم موج می‌زند، می‌توان دریافت. شاید مطالعه‌ای عمیق‌تر برای ساختارشکنی متن و رسوخ به عمق اندیشه مافی از راه همین ۱۲ بند مهم عملی باشد. در اصول هنری مافی که بر اوراق بدون تاریخ نگاشته شده به خوبی خود را در آن‌ها معرفی کرده است:

۱. به اصل خط وفادار هستم چون من خطاط هستم و عاشق خط؛

۲. از شکل بسیار تزیینی سیاه‌مشق استفاده می‌کنم؛

۳. رنگ و فرم به کار می‌برم؛

۴. قطع تابلوها را به‌طور آزاد و دلخواه بزرگ و کوچک می‌کنم. در حالی که قطع سیاه‌مشق‌ها در قدیم از ۲۵ در ۳۵ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند؛

۵. در یک تابلو هم شعر زیبای فارسی هم خط زیبای فارسی و اشکال و فرم‌های امروزی یا امروزی پسند را ارائه می‌دهم؛

۶. من با کارهایی که می‌کنم، هیچ پیامی نمی‌خواهم به کسی بدهم ولی ممکن است در آینده این کار را بکنم؛

۷. من هنوز در اول کار هستم و احتیاج به راهنمایی دارم و از هر پیشنهادی تا آن‌جا که به کار من لطمه نزند استفاده می‌کنم؛

۸. خیلی سعی دارم از مسیر، منحرف نشوم؛

۹. می‌خواهم تماشاچی آثار من با یک کار صددرصد

شرقی و ایرانی روبه‌رو باشد. البته این را به حساب تعصب نباید گذاشت فقط با نشخوار کردن نقاشی غرب مخالفم؛

۱۰. می‌توانم بگویم همیشه سعی دارم با کارهایم چهره خدا را بنمایانم؛

۱۱. چون حرفه من خطاطی است به ناچار ۱۰ ساعت

در روز با مرکب سیاه و کاغذ سفید سر و کار دارم ولی این‌ها نمی‌تواند جوابگوی نیازهای باطنی من باشند؛

۱۲. کارهایی انجام داده‌ام که در گذشته کسی انجام نداده

است و این می‌تواند مکتب خاصی را به‌وجود بیاورد. به هر حال کاری را شروع کرده‌ام. نمی‌خواهم بگویم این راه درست است یا غلط. موفق است یا نیست؛ ولی هر کار تازه و غیر آشنا و نامأنوس را مردم در وهله اول نمی‌توانند قبول کنند. من سنت‌شکنی نکرده‌ام، فقط خط را با چهره‌ای دیگر نشان داده‌ام.^{۳۶}

غروب مافی

مافی سیاه‌مشق‌های دوران قاجار را «تمونه یک لطافت کامل هنری» می‌دانست و باید در این‌جا به داشتن ذهن لطیف، قلب حساس و نگاه ویژه او به مظاهر زیبایی‌شناسی گواهی دهیم. امضاها مافی زمانی که از میرزا غلامرضا مشق می‌کند

با رقم «یا علی مددی» متبرک می‌شود و زمانی که مافی به یک شخصیت مستقل و تحول درونی بعد از مرگ سهراب سپهری می‌رسد با نشانه‌هایی چون «گرفتار»، «دلخون»، «دل شکسته»، «مجنون» و... مکتوب می‌شود کافی است قلب مهربانانه مافی و عشق و علاقه او را به فرزندان معنوی یعنی آثار و کارهایش بشناسیم وقتی که از او سؤال می‌شود: اگر قرار باشد همه تابلوهایت را بفروشی چه کار می‌کنی؟ می‌گوید:

«گریه می‌کنم، گریه و فقط گریه، همان‌طور که بعضی از اوقات برایم پیش می‌آید که مجبور می‌شوم یکی از تابلوهایم را بفروشم، و وقتی خریدار آن‌را با خودش می‌برد، در کارگاهم را به روی همه می‌بندم و گریه می‌کنم.»^{۳۷}

شاید بعد از مطالعه این مقدمه و اصول دوازده‌گانه درباره مرحوم مافی تنها نکته‌ای را که بتوان به بحث گذاشت، غروب غم‌انگیز او در سی‌ونه سالگی است. خاطرات زیادی از بی‌قراری او پس از درگذشت سهراب سپهری از طریق دوستان و خانواده رضا ذکر می‌شود. و خودش از زمانی که سنگ نوشته مزار سپهری را می‌نگارد، بارها از حالتی خاص یاد می‌کند. در گذشته تأسف‌بار و غم‌انگیز برای جامعه هنری که یکی از استعدادهای روبه‌تعالی و مهم هنر معاصر را از دست داد. مافی در اوج قله تجربه‌های هنری خود آخرین تابلوی نقاشی را در سی‌ویکم شهریور ۱۳۶۱ ترسیم کرد. تصمیمش این بود نقاشی مذکور را که حالتی بسیار انتزاعی و تخیلی داشت و در آن نمادی از یک اسب زیبا بر فراز ابرها و در زمینه و رنگی بی‌حضور در آسمان به پرواز درآمده بود به بهانه تولد لیلا حاتمی (دختر شادروان علی حاتمی) در روز نهم مهرماه ۱۳۶۱ به وی هدیه کند. لذا نام خود را با همین تاریخ زیر آن نقل می‌کند. اما قبل از آن که این تابلو را به او بدهد، خودش قصه پرواز به ابدیت را در فضایی نامتناهی در همان روز تجربه می‌کند تا در سر منزل جانان به حضرت دوست متصل گردد.

در سنگ نوشته مرحوم مافی که در کنار صحن امام‌زاده طاهر در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) آرمیده، استاد محمد احصایی این شعر را نگاشته است:

گردون ز زمین، هیچ گلی بر نارد
تا نشکند و باز به گل نسپارد
گر ابر چو آب خاک را بردارد
تا حشر همه خون عزیزان بارد^{۳۸}

* بی‌نوشت‌ها و منابع در دفتر مجله موجود است.